رسم و ضبط کلمات قرآن و نقش صنعت چاپ در آن‌ها

من توضیح «**فی رسم المصاحف**» را عرض بکنم. «**و فی رسم المصاحف**»؛ اگر حوصله کردید به این مراجعه کنید. در فدکیه هر کدام از این‌ها صفحه جدایی دارد. رسم اصطلاحی است. همین مصحفی که سعودی‌ها چاپ کرده‌اند نسبت به این هم توضیحی دارد. صفحه بسیار بلند و بالایی است که در فدکیه گذاشته‌ام. بنابراین رئیس آن لجنه بوده، توضیح می‌دهند که ما چه کار کرده‌ایم تا این عثمان طه را به نحو اخیر نوشته ایم. آن‌هایی که می‌گویند رسم باید املائی باشد، آن‌هایی که می‌گویند نباید مصحف عثمانی باشد، مویدات و مبعدات را بحث می‌کنند. در اصطلاح آن جا می‌گوید یک رسم المصحف داریم و یک ضبط المصحف. می‌گوید «اتبعنا فی رسم المصحف کتاب الدانی و فی ضبطه المصحف قرائة الحفص»؛ به این صورت در ذهن هست.

رسم چیست؟ پایه کلمات است. ضبط چیست؟ نَقط المصحف است. با این توضیح که دانی می‌گوید –تا زمان او هم بوده- مصاحف دو جور هستند. مصاحفی که به نحو خلیل بن احمد تشکیل می‌کنند و اعراب گذاری می‌کنند. مصاحفی که به نحو قبل از خلیل و به نحو ابو الاسود دوئلی و بعد از او نَقط می‌کنند و نقطه گذاری می‌کنند. نقطه گذاری به چه معنا است؟ به این معنا نیست که نقطه «باء» را بگذارند. یعنی اعراب را با نقطه می‌گذارند. حرکات را با نقطه می‌گذاشتند. این معلوم باشد.

چیزی که الآن می‌خواستم عرض کنم این است: وقتی صنعت چاپ آمد مصاحف رنگی کنار رفت. دیگر نمی‌شد. ای شما باید قرآن را چاپ نکنید. ای اگر چاپ می‌کنید ناچار بودید که از راه خلیل بروید. تشکیل چه بود؟ حروف کوچکی را بالای حرف می‌گذاشت. مثلاً فتحه کوچکی که به‌صورت الف بود. ای «یاء». ای «خ» و حرف کوچکی که به‌عنوان اعراب گذاری داشت. صنعت چاپ که آمد این رفت. الآن که نَقط می‌گویند ما خیالمان می‌رسد که فقط نقطه گذاری است. و حال این‌که به این صورت نبوده است.

این را برای این عرض کردم که خود صنعت چاپ سبب شد، انس بدنه مردم از بچگی با یک قرائت باشد. اگر آن نشده بود، النشر ابن جزری دم و دستگاه دیگری پیدا می‌کرد و خیلی از این موضع گیری هایی که بعداً شد، نمی‌شد. بنابراین رسم المصاحف روی اصطلاح الآن به‌معنای پایه کلمه بدون اعجام و بدون اعراب است. یک اعجام داریم که نقطه گذاری حرف است. یک اعراب داریم که حرکت گذاری است. قبلاً همان نَقط، اعجام نبوده، بلکه اعراب بوده. ولی در قرآن بعد از طبع، این دو با هم جمع شده‌اند. قرآنی که از چاپ بیرون آمد هم اعجام داشت –یعنی نقاط «باء» و «تاء» را گذاشته بودند- و هم اعراب داشت که طبق قرائت حفص از عاصم بود.

رسم چیست؟ رسم زمانی است که نقطه و اعراب برداشته شود. رسم المصحف این‌چنین است. یعنی فقط پایه حرف است. «فتبیّنوا» یا «فتثبّتوا»؟ هر دو آن‌ها می‌شود. رسم آن واحد است. یعنی از ناحیه بنیه کلمه تفاوتی نمی‌کند. اما اگر گفتید «فتوکّل» و «و توکّل» از نظر رسم موافق نیستند. رسم یعنی بنیه کلمه. لذا در مصاحف عثمانی متجاوز از پنجاه مورد که متواتر بین مسلمین است و در همه تفاسیر هم آمده، مواردی است که بین مصاحف عثمانی در رسم

تفاوت است. یعنی پایه کلمه در مصحف عثمان مختلف نوشته شده است. چرا ؟ ابن جزری توضیح آن را داد که توضیح خیلی خوبی هم هست. الآن میخواستم شواهد عدیده را بگویم که وقت گذشت. ابن جزری میگوید از کارهایی که عثمان کرده این است که حتی‌المکان تعدد قرائات را در همین مصحفی که میخواستند توحید و توجیه مصاحف و قرائات بکنند، باقی بگذارند. او میگوید عرب به لسانشان و به لغتشان «اهدنا الصراط المستقیم» را با «س» میخوانند. عرب «س» را میدانند و بلد هستند. اگر ان‌سخ عثمان با «س» مینوشت کلاً قرائت «ص» فراموش میشد. میگفت خب ما دو کار میکنیم. «س» را که خود عرب میخوانند و در قراء سبعه هم هست. یعنی از قرائات متواتر هم هست. ولی رسم را به «ص» مینویسیم. چرا؟ برای اینکه قرائت «ص» فراموش نشود. این را ابن جزری میگوید. شواهد دیگری هم دارد.

هنوز موارد دیگری در توضیح ضبط و رسم هست؛ ضبط مغاربه، ضبط مشارقه، خود مصاحف، تدوین الکتب. شما این موارد را نگاه بکنید. در فدکیه اینها را رنگی کرده‌ام. هم در بحارالانوار از چاپ اسلامیه آورده‌ام. ببینید علماء شیعه سطر به سطر کتابهای قرائت را زده هم میخواندند و بعد اجازه میدادند. علامه حلی یک اجازه مفصلی دارند؛ اجازة العلامة الحلی لبنی زهره، اجازه مفصلی است. ببینید علامه حلی خودشان نقل میکنند که من شاطبیه را از پدرم نقل میکنم. یعنی مقری علامه حلی در شاطبیه در قرائات سبع، پدرشان بوده‌اند. تا به خود شاطبیه و دانی میرسند. از دانی هم که سنده‌ا معلوم است. همه بزرگواران مفصل دارند. یعنی اینکه اینها مشغول بودند و سند داشتند. لذا علامه حلی در کتبشان شک ندارند که قرائات سبع به همین معانی که ما بحث میکنیم متواتر هستند.

شاگرد: کسانی که چاپ کرده‌اند چرا به خصوصه این را انتخاب کرده‌اند؟

استاد: در فدکیه مفصل آمده است. اصل آن حکومت عثمانی است. یعنی مروج قرائت حفص از عاصم ترک های عثمانی بودند. چرا این طور کردند؟ مهمترین محورش این بود که حنفی بودند. مذهب اهلسنت در تروج یک قرائت خیلی مؤثر است. الآن غرب آفریقا همه مالکی هستند و قرائت همه آنها نافع است. چون نافع مدنی است و مالک هم مدنی است. ابوحنیفه کوفی است، عاصم هم کوفی است. دلیل دیگری که میگویند این است که زدن ترک های عثمانی قرائت حفص راحت است. علامه هم میگویند. برای کسانی که عرب نیستند برخی از قرائات سخت است. حفص بسیار راحت بوده. ما شواهدی پیدا کردیم که سابقه آن بیش از این بود که بگوییم صرفاً عثمانی ها به‌دلیل راحتی آن را انتخاب کرده‌اند.

شاگرد: اینکه میگویند اگر علامت پایین باشد؛ مانند مصطرون، پایین باشد مشهورتر است، دلیلش چیست.

استاد: در مصحف اصلی «س» و «ص» کوچک پایین و بالا نیست. بعداً به‌خاطر تعدد قرائات اینها را گذاشتند.

شاگرد: میگویند در قرائت حفص از عاصم اگر «س» پایین باشد «ص» اشره است. این تنها لفظ به قرائت حفص از عاصم است یعنی لفظ به بحث قراءات است یا جدای از آن به حساب می آید؟

استاد: الآن نمیدانم. فرمایش خوبی است، ان شالله در جلسه بعد. اینها چیزهای خاصی است که هر وقت به‌دنبال آن میرویم چقدر فایده میدهد. جزاکم الله خیرا.

شاگرد: در بحث ام الکتاب و حروف مقطعه، آیا می شود گفت که مقصود نشانه هایی است که فقط صرف نشانه هستند و بحث می باشند ؟

استاد: فایل های آن موجود است. اوائل سال ۹۰-۹۱ بود. در ذیل «ق و القرآن..» این حرف شما را مطرح کردیم. من این جور به ذهنم بود که در وجوه حروف مقطعه، اعلی داریم، افضل داریم، طبیعی تر داریم. طبیعی ترین معنا منافاتی ندارد که افضل نباشد. توضیح این را در آن جا عرض کردم. یکی از وجوهی که در آن جا صحبت شد همین فرمایش شما است.

شاگرد: یعنی معنا نباشد و فقط نشانه باشد ؟

استاد: یعنی خودش باشد به یک معنایی که نه اینکه به هیچ نحوی ارتباط با معنا نداشته باشد چرا که اگر منظور لفظش باشد در دستگاه تکوینی یک مدلول طبعی دارد و شما نمیتوانید این را از آن بگیرید. اما معنا نباشد یعنی وضع و موضعه نباشد، این خوب است و در آن جا از این احتمال صحبت شد.

بازبینی #2
ایجاد شده 16 مارس 2024 17:35:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 17:33:12 توسط ... .